

جایگاه مشارکت سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

حسن خورشیدی آباد شاپوری^۱، منوچهر توسلی نائینی^۲، سید محمدصادق احمدی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

چکیده:

مسئله مشارکت سیاسی در جوامع بشری، یک مسئله عام و فراگیر است و کمتر روزی را می‌توان یافت که در رسانه‌های جمعی، مطبوعات و حتی گفتگوهای روزمره حرفی از حقوق بشر و مشارکت مردم در سرنوشت دولت‌ها در میان نباشد. در ایران نیز به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی مشارکت سیاسی به‌خصوص رفتار رأی‌دهی، از توجه شایانی برخوردار گردید. در ساختار سیاسی و حقوقی ایران در قالب اصول قانون اساسی و همچنین قوانین حوزه حقوق عمومی در بخش‌های مختلف ابزارهای تحقق مشارکت سیاسی با محدودیت‌هایی پذیرفته شده است. لذا هدف این مقاله تحلیل و واکاوی جایگاه مشارکت سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این راستا با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بیان شاخص‌های مشارکت سیاسی و ساز و کارهای آن در قانون اساسی و همچنین به بررسی انتخابات به عنوان یکی از مؤلفه‌های مشارکت سیاسی در قانون اساسی پرداخته شد. بررسی‌ها حاکی از این است که؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌عنوان اصلی‌ترین سند تضمین حقوق و آزادی‌ها به‌طور صریح یا ضمنی نقش مشارکت سیاسی مردم را به عنوان یک حق برای آن‌ها برمی‌شمرد و حدود آن را تعیین می‌کند. نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن باراً مردم ایجادشده است و در عین حال انتخاب رهبر به صورت غیرمستقیم و انتخاب رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شرکت در همه‌پرسی‌ها تجلی حضور و مشارکت سیاسی عموم مردم از جمله همه اقلیت‌ها و قومیت‌ها در امر اداره حکومت، مشارکت در پیشبرد امور کشور است.

واژگان اصلی: مشارکت سیاسی، قانون اساسی، حزب، انتخابات، جمهوری اسلامی ایران.

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

tavassoli@ase.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشکده آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

مقدمه

یکی از حقوقی که اسلام برای همگان، قائل است حق مشارکت در تعیین سرنوشت خویشتن است که این حق را از جانب خداوند تعالی می‌داند و بر اساس آن، هیچ‌کس مجاز نیست این حق را از انسان‌ها، به هر دلیلی سلب کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌عنوان اصلی‌ترین سند تضمین حقوق و آزادی‌ها با تعیین رابطه قانونمند و از پیش تعیین‌شده برای دولت و ملت بر آن است تا با رسمیت بخشیدن به حقوق مشارکت به‌عنوان حقوق شهروندی و تعیین حدود آن، وظایف دولت را برای پیوند با مردم و در اعمال قدرت معین سازد. در سایه اعتبار این سند است که حکومت و قوای عالیه آن زاده می‌شود و اختیارات و صلاحیت‌های آن شکل می‌گیرد و تکوین می‌یابد باهدف آنکه روابط بین حقوق مردم و قدرت دولت عاری از استبداد و فساد تعریف و تنظیم شود و در کلیه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، حقوقی و اجتماعی حضور پررنگ مردم تعریف‌شده و استمرار یابد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰).

مشارکت سیاسی در لوای حق سیاسی قرار می‌گیرد، یکی از حقوقی است که ضمن آن شخص برای مشارکت در حاکمیت جامعه اراده خود را به کار می‌بندد. حاکمیت این امکان را به فرمانروایان می‌دهد تا ضمن اعمال قدرت یا زور از دخالت مردم در حکومت جلوگیری نماید، بر این اساس به رسمیت شناختن حق سیاسی برای مردم در قوانین اساسی، امکان حضور اختیاری آن‌ها را در عرصه تصمیم‌گیری و اجرا تضمین خواهد نمود (گلابی و حاجیلو، ۱۳۹۱: ۳۱). مطابق بند ۸ اصل سوم قانون اساسی مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش از حقوق مسلم ملت ایران، است که با توجه به عموم و اطلاقات آن، شامل تمام افراد ملت ایران، شده و اکثریت مسلمانان، شیعه را مدنظر قرار نداده است (هاشمی و دشتی، ۱۳۹۱: ۲۳).

اصل ۶ قانون اساسی آورده است: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شوند، از راه انتخابات، انتخابات رئیس‌جمهور نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها یا از راه همه‌پرسی...».

بر این اساس اصل ۵۶ قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود از راه انتخاب رئیس‌جمهور نمایندگان مجلس شورای اسلامی اعضای شوراها و نظایر این‌ها یا از راه همه‌پرسی در موارد که در اصول دیگر این قانون، معین می‌گردد، که نشان، می‌دهد عموم مردم در امور مختلف نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای بر عهده‌دارند.»

از دیگر مصادیق حق انتخاب، راجع به مجلس نمایندگان و به تعبیری قوه مقننه است. قوه مقننه

نهادی است که ریشه در آرای عمومی دارد و طبق ضوابط اساسی مدون، سهم قابل توجهی از حاکمیت در نظام سیاسی کشور را اعمال می‌کند (حیدرنژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۵).

با این تفصیل این مقاله به بیان شاخص‌های مشارکت سیاسی و ساز و کارهای آن در قانون اساسی و همچنین به بررسی انتخابات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مشارکت سیاسی در قانون اساسی می‌پردازد.

روش تحقیق

مقاله حاضر از نوع نظری است. به لحاظ ماهیت توصیفی تحلیلی و به لحاظ روش با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این راستا با مطالعه کتب و مقالات در زمینه موضوع تحقیق اطلاعات لازم گردآوری شد.

مفهوم مشارکت و مشارکت مردمی

مشارکت مردمی همان جزء اول ترکیب مردم‌سالاری دینی است. مقصود از مشارکت مردمی، در واقع «مشارکت سیاسی» است. مشارکت سیاسی مساعی سازمان‌یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیت‌ها و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر صورت‌بندی و هدایت سیاسی دولت است (افشاری‌راد و آقابخش، ۱۳۸۹: ۴۴).

یکی از معیارهای اصلی تشخیص و تعیین مردمی بودن یک حکومت درج این حق در قوانین به‌ویژه قانون اساسی هر کشور و میزان و نحوه اجرای آن می‌باشد. انقلاب اسلامی با مشارکت وسیع و گسترده مردم شکل گرفت و به ثمر نشست فلذا بنیان‌گذاری نظام سیاسی کشور با محوریت قرارداد مردم توقع برحق بوده است (کلانتری، ۱۳۹۳: ۶۵).

بر همین اساس جمهوریت نظام رکن تغییرناپذیر قانون اساسی برشمرده شده تا بر استمرار این وعده جامه عمل بپوشاند و آن را تا ابد تضمین نماید از نکات برجسته زمامداری در قانون اساسی، تلفیق ماهرانه‌ای است که بین حاکمیت دینی و حاکمیت ملی صورت گرفته است، بدین معنا که قانون‌گذار از یک‌سو حق مردم در تعیین سرنوشت خود را امری خدادادی می‌داند و تعیین نظام اسلامی و انتخاب حاکم اسلامی را متکی به رأی ملت می‌نماید و بدین ترتیب، دموکراسی اسلامی را تأسیس می‌کند، اما از سوی دیگر، باید بیان داشت که، اعمال حاکمیت ملی را در انتخاب رئیس‌جمهور موکول به تنفیذ مقام

رهبری می‌نماید و انتخابات مجلس و امر قانون‌گذاری را تحت نظارت و کنترل فقهای شورای نگهبان (منتخب رهبری) قرار می‌دهد (موسوی بجنوردی و سیدموسوی، ۱۳۹۶: ۷۳).

تعریف مشارکت سیاسی

در تعاریفی از این اصطلاح آمده است:

- مشارکت سیاسی رفتاری است که اثر می‌گذارد و یا قصد تأثیرگذاری بر مسائل حکومتی را دارد.
- مشارکت سیاسی شرکت جستن در فرآیندهای سیاسی که منجر به انتخاب رهبران سیاسی و تعیین در سیاست عمومی و حکومت شود.
- مشارکت سیاسی شرکت در اعمال قدرتی است که برای قرن‌ها در دست افراد، گروه‌ها و یا طبقات اجتماعی معینی متمرکز بوده است (پیران، ۱۳۷۶: ۴۶).
- مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می‌باشد (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

مشارکت سیاسی مردم از منظر قانون اساسی

حق مشارکت مردم در امور سیاسی همان حق تعیین سرنوشت در ابعاد داخلی و در سطح کشور می‌باشد. میزان حضور مردم در تشکیل حکومت، محتوای نظام حاکم بر کشور را تعیین و آن را به‌عنوان استبدادی، جمهوری، دموکراتیک و... مطرح می‌نماید. یکی از مهم‌ترین ارکان جمهوری اسلامی ایران حضور فعال و مستمر مردم در تشکیل و استمرار حکومت است. اصول اساسی حکومت بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر سه اصل متمرکز می‌باشد: ۱. حق مشارکت مردم؛ ۲. استفاده از نخبگان هر رشته؛ ۳. نظارت فقیه از حیث انطباق مصوبات با موازین اسلامی (فراهانی فرد و بیگدلی، ۱۳۹۵: ۲۵).

در قانون اساسی مشارکت مستقیم و غیرمستقیم یا باواسطه شهروندان در انتخاب زمامداران پیش‌بینی شده است که به عنوان مثال می‌توان انتخابات شوراهای اسلامی، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی، را به عنوان مشارکت مستقیم مردم برشمرد و در سایر موارد مانند انتخاب و انتصاب وزرا توسط رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، انتخاب فقهای شورای نگهبان توسط رهبری، تعیین اعضای ثابت و متغیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، تعیین رهبر توسط خود به‌عنوان منتخب مردم و تعیین عالی‌ترین مقام قوه قضاییه توسط مقام معظم رهبری را به‌عنوان

مشارکت غیرمستقیم مردم از آن جهت که توسط نمایندگان منتخب ایشان تعیین می‌گردد، برشمرده (بهمنی قاجار، ۱۳۸۸: ۷۲).

شاخص‌های مشارکت سیاسی طبق قانون اساسی

۱- منصب رهبری

اینکه از طرفی ولایت و حاکمیت از آن خداوند باشد و از سویی حکومت متکی به آراء ملت بوده باشد از مواردی است که بارها در مباحث و مجالس و کتب و مقالات مورد مناقشه قرار گرفته است و آنچه که به انتخاب رهبر و نقش و مشارکت مردم مربوط می‌شود و آنچه که به اصول اسلامی و شیعی و حاکمیت رسمی تقیه جامع‌الشرایط ولایت مرتبط می‌گردد که به بحث مقبولیت و مشروعیت معروف و مشهور است که مشارکت و خواست مردم مقبولیت را شامل می‌گردد و بسترساز اعمال حاکمیت ولی فقیه می‌گردد که فارغ از خواست و مشارکت و رأی مردم از مشروعیت برخوردار است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به هر دو جنبه آن اشاره شده است که جنبه مقبولیت آن که به رأی و نظر و مشارکت مردم برمی‌گردد از طریق انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان رهبری قابل اعمال و انجام است خبرگان که واجد شرایط خاصی بوده و بعضاً حتی با عدم مشارکت قابل قبول هم در برخی حوزه‌های انتخاباتی صورت می‌گیرد چرا که واجدین شرایط و کاندیداهای انتخاباتی، برابر با مقدار نمایندگان موردنیاز حوزه انتخاباتی است که از این حیث قابل بحث و گفتگو است که نقش مشارکت سیاسی و خواست عمومی که پایه‌های اساسی و تکراری در جهان کنونی است کجاست و تأثیرات آن تا چه حد است و مشابه به همین دلیل است که از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون کمترین میزان مشارکت سیاسی مردم ایران متعلق به انتخابات مجلس خبرگان است امر مهم و حیاتی و اساسی که کمترین تمایل به مشارکت در آن احساس می‌گردد این انتخابات است (شفیعی فر، ۱۳۷۸: ۲۳).

سازوکار انتخاب ولی فقیه در قانون اساسی به عهده متخصصان امر گذاشته شده است و مردم با مشارکت خویش در انتخاب خبرگان امر انتخاب ولی فقیه را به عهده متخصصان و کارشناسان واگذار می‌کنند بنابراین نقش مردم در انتخاب رهبر و ولی فقیه با واسطه خواهد بود و مردم به طور مستقیم در تعیین رهبر نقشی ندارند (علی‌مرادی و ارجینی، ۱۳۹۳: ۳۵).

۲- منصب ریاست جمهوری

طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی پس از مقام رهبری رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و

مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود برعهده دارد و وفق اصل ۱۱۴ قانون اساسی: «رئیس‌جمهور برای مدت ۴ سال و با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است».

اگرچه طبق قانون اساسی شخص اول و عالی‌ترین مقام اول کشور که رهبر باشد با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود اما دومین شخص و عالی‌ترین مقام پس از رهبری که ریاست‌جمهوری باشد با رأی مستقیم مردم و رأی اکثریت مطلق مشارکت‌کنندگان انتخاب می‌گردد در واقع مردم در انتخاب عالی‌ترین مقام پس از رهبری نقش تأثیرگذار و اصلی را برعهده دارند مقامی که تصمیمات و اندیشه و برنامه‌های او نقش بسزایی در پیشبرد توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور دارد (رضوانی گیل کلایی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹۳).

با توجه به اینکه طبق اصل ۱۱۷ رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب می‌گردد که این حدنصاب یعنی اکثریت مطلق آراء و شرکت‌کنندگان شوید اثرگذاری غیرقابل انکار مشارکت مردم و اعتماد و اعتباربخشی به نظر و رأی اکثریت مردم است. هرچند که رأی مستقیم مردم به رئیس‌جمهوری باید به تأیید و تنفیذ مردم برسد تا حکم ریاست‌جمهوری را تنفیذ کرده تا تشریفات قانونی مراعات گردیده و منتخب مردم رسماً به مقام ریاست‌جمهوری نائل گردد که گفته شده است تنفیذ حکم رئیس‌جمهوری از باب اعمال ولایت امری رهبر است که خود از مقبولیت مردمی برخوردار است و مشروعیت الهی نیز دارد (غمامی و کدخدای، ۱۳۹۷: ۵).

۳- نمایندگی در مجلس شورای اسلامی

انتخاب نمایندگان از سوی مردم که ظهور و بروز کاملی از مشارکت سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران است به مفهوم اثرگذاری و تأثیر خواست مردم در همه ارکان کشور است. اگر مشارکت سیاسی به معنای تأثیر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری باشد مجلس شورای اسلامی از اهم مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی است. تصمیم‌سازی که دو قوه دیگر یعنی قوه قضاییه و قوه مجریه آن را به منصف ظهور می‌رسانند. آثار این تصمیم‌سازی به‌خوبی در پهنه جامعه نمود دارد و مشارکت‌کنندگان به‌صورت عینی نتیجه مشارکت خویش را در نظام اجتماعی و اراده آن مشاهده می‌کنند (حشمت زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳).

چرا که طبق اصل ۷۱ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی حق دارد عموم مسائل در حدود قانون اساسی قانون وضع کند و حتی این مهم نیز از چشم قانون‌گذار اساسی دور نمانده است که برای

جلوگیری از سوءبرداشت و یا حتی سوءاستفاده از قوانین در اجرا بجهت تقسیم‌های نابجا و نادرست طبق اصل ۷۳ قانون اساسی شرح و تفسیر قوانین عادی که مجلس آن‌ها را وضع می‌نماید تنها در صلاحیت خود مجلس شورای اسلامی است بنابراین راه سوءبرداشت در اجرا نیز با این تدبیر بسته می‌شود و جامعه از همان نظراتی بهره‌مند می‌گردد که مقنن آن را وضع کرده است و مقنن کسی نیست مگر نمایندگان که سمت نمایندگی‌شان را از مردم و از طریق مشارکت آنان به دست آورده‌اند. بر اساس اصل ۶۲ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکی می‌گردد.

مجلس از جایگاه والایی در قانون اساسی برخوردار است؛ بنابراین تصمیم‌گیری‌ها و وضع قوانین باید به اطلاع و آگاهی عموم مردم برسد به همین منظور اصل شصت و نهم اعلام می‌کند که مذاکرات مجلس شورای اسلامی باید علنی باشد و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی برای اطلاع عموم منتشر شود. این امر باعث می‌شود که مردم مشارکت‌کننده در انتخاب نمایندگان در جریان امور قرار گرفته و از تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های مجلس که برآیند مشارکت سیاسی است مطلع باشند مجلس وفق اصل هفتاد و شش قانون اساسی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. این اصل منتخبان مردم را مجاز شمرده است که بر همه اموری که در کشور می‌گذرد دسترسی داشته و به‌نوعی با این دخالت و تحقیق خود مردم را از آنچه که در کشور و سازمان‌ها و نهادها و شرکت‌ها و به‌طور کلی هر جای کشور می‌گذرد مطلع و آگاه سازند این امر باعث می‌گردد که ادارات و نهادها و سازمان‌ها و واحدهای اداره‌کننده جامعه از دید تیزبین نمایندگان خارج نموده و هر جا که احساس شود امر یا اموری برخلاف آراء و نظریات و قوانین مصوب مجلس در جریان است از ادامه و اجرای آن جلوگیری گردد و این ابزار نظارتی قوی باعث می‌شود که حدود و ثغور قانون مورد تجاوز و تعدی قرار نگیرد.

چرا که برای عامه مردم هیچ‌چیز جزا دار تر و شایسته‌تر از اجرای قانون و حرکت بر مدار قانون نیست در حقیقت قانون است که منافع عموم را تضمین می‌کند. همچنان که‌رای اعتماد به وزرا و نیز سؤال استیضاح آنان از سوی نمایندگان نظارت مستمر با واسطه مردم و مشارکت‌کنندگان از چگونگی انجام وظایف و کارکرد آنان است در واقع هرگاه اتخاذ تصمیمات و انجام امورات از سوی کارگزاران، تشخیص نمایندگان در تعامل، تعارض با منافع مردم و قوانین مصوب باشد نمایندگان به نمایندگی از سوی مردم وزرا و کارگزاران دیگر را مورد سؤال و پرسش قرار داده و از آنان می‌خواهند که در تصمیم‌گیری‌ها و

تصمیم‌سازی‌ها و اداره امور قوانین و مقررات را مراعات نمایند و چنانچه از نحوه کار و اجرای آنان ناخشنود باشند تا مرحله استیضاح و رأی عدم اعتماد و برکناری پیش خواهند رفت و این دخالت با واسطه از سوی مردم از برجسته‌ترین وجوه مشارکت مردمی است (کعبی و حکیمی، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

از دیگر مواردی که می‌توان از مشارکت و دخالت مردم در امور کشور از طریق مجلس به آن اشاره کرد اصل نود قانون اساسی است که مقرر می‌دارد: «هرکسی شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضاییه داشته باشد می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند مجلس موظف است به این شکایت رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی به شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضاییه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام کند و در مواردی مربوط به عموم است به اطلاع عامه برساند». از این طریق افرادی که انجام امورات و وظایف کارگزاران را منطبق با قوانین و مقررات نمی‌دانند و مورد تعدی و یا تجاوز از حدود قانون قرار می‌گیرند می‌توانند از طریق نمایندگان خود و مجلس شورای اسلامی پیگیری حقوق و مطالبات خویش باشند در واقع خارج از مجاری قضایی و اجرایی که ممکن است بی‌مهری‌هایی از سوی کارگزاران نسبت به مردم صورت بگیرد مجلس شورای اسلامی و کمیسیون اصل نود احقاق حق کرده و دخالت خویش را به نمایندگی از سوی مردم انجام داده و امر تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها را بر مدار قانون هدایت می‌کند (میرعظیمی و جمشیدی کوهساری، ۱۳۹۳: ۳۵).

۴-منصب مجمع تشخیص مصلحت نظام

اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام در واقع توسط مقام معظم رهبری انتخاب می‌شوند، بنابراین مشارکت سیاسی مردم در این زمینه به صورت مستقیم نیست بلکه توسط مقام معظم رهبری و با مشارکت غیرمستقیم مردم انتخاب می‌شود.

به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تا زمان تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان مرجع نهایی تشخیص مغایرت مصوبات مجلس با موازین شرع و قانون اساسی محسوب می‌شد و مرجع خاصی برای بازنگری در نظرات شورای نگهبان وجود نداشت. در این شرایط، بی‌توجهی فقهای این شورا به اقتضائات و ضرورت‌های روز در استناد به موازین شرع سبب بروز اختلافاتی میان مجلس و شورای نگهبان و پافشاری مجلس به استناد ضرورت، نیاز یا مصلحت جامعه، بر برخی از مصوبات خود شده بود. اما باز هم شورای نگهبان در قالب قواعد و موازین شناخته شده فقهی این موارد را مغایر با شرع اعلام می‌کرد. (دوست محمدی و باباپور، ۱۳۹۰: ۹۷).

۵- عضویت در شوراهای شهر و روستا

با توجه به اصول و قواعد نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بایستی شورا را بدین صورت تعریف کرد: شورا نهادی است با کارکردهای مختلط قانونگذاری، نظارتی، مشورتی و اجرائی که هم در مرحله قبل از اتخاذ تصمیم و هم بعد از آن، موضوعیت پیدا میکند. البته لازم به تذکر نیست که عنصر اجتماع، از اساسی ترین مؤلفه های شورا محسوب می گردد.

در حوزه نظر و تئوری انتقاداتی می توان به کارکرد اجرائی نهادهای شورایی وارد ساخت. نخستین انتقاد در این زمینه در ارتباط با موضوع مسئولیت جمعی اعضای شورا در قبال کارکردهای اجرائی نهاد مزبور است که مورد توجه برخی صاحب نظران قرار گرفته است. (ابوالحسنی و ابراهیم آبادی، ۱۳۹۷: ۷).

سازوکارهای مشارکت سیاسی در قانون اساسی

۱- جایگاه احزاب سیاسی از منظر قانون اساسی

حزب یک واژه عربی است که بهترین معادل آن در فارسی گروه یا دسته بکار می برند. در فرهنگ دهخدا و معین، حزب به سازمان تشکیلات سیاسی معنا شده است. احزاب سیاسی به مثابه حلقه میانجی و بخش اصلی جامعه مدنی و هدایت آن‌ها تصمیم گیری نقش مهم بر عهده دارند به عنوان نهادی برخاسته از متن جامعه و میان مردم و حاکمیت به انتقال خواسته‌ها و مطالبات جامعه یا ذینفعی که از آن شکل یافته اند می پردازند (گرچی، ۱۳۹۳: ۵۱).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدون ارائه تعریف یا مفهوم خاصی از «حزب» در اصل بیست و ششم در فصل حقوق ملت احزاب را در کنار جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزاد دانسته، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. همچنین به موجب همین اصل هیچکس را نمی توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت. بنابراین قانون اساسی ما تعریفی از «احزاب» ارائه ننموده است و صرفاً به آزادی و چارچوب کلی فعالیت «احزاب» پرداخته است (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۹).

اما «قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده» مصوب ۱۳۶۰/۶/۷ در ماده (۱) خود تعریفی از «حزب» ارائه می دهد. به موجب این ماده «حزب، جمعیت، انجمن، سازمان سیاسی و امثال آن‌ها تشکیلاتی است که دارای

مرامنامه و اساسنامه بوده و توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین تأسیس شده و اهداف، برنامه‌ها و رفتار آن به صورتی به اصول اداره کشور و خط‌مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران مربوط باشد.» (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۹).

همانگونه که مشاهده می‌شود این ماده علاوه بر «حزب» برخی عناوین دیگر نظیر جمعیت، انجمن و سازمان سیاسی را مشمول همین تعریف می‌داند. بنابراین از دید قانونگذار جمهوری اسلامی ایران صرف عنوان «حزب» نمی‌تواند بیانگر مقصودی باشد که از عنوان «حزب» انتظار می‌رود. لازم به ذکر است که این قانون در مواد ۲ الی ۵ خود نیز به ارائه تعریفی از سایر گروه‌های اجتماعی نظیر انجمن، جمعیت، اتحادیه صنفی و امثال آن، انجمن اسلامی واحدهای اداری، آموزشی، صنفی، صنعتی یا کشاورزی و انجمن اقلیت‌های دینی پرداخته است و نهایتاً در ماده ۵ خود احکام این قانون را شامل کلیه گروه‌های مذکور دانسته است.

نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان نظامی که بر پایه آرای مردم استوار شده است به فعالیت احزاب و جریان‌های سیاسی توجه خاصی نموده است و در این راستا براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند، هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.

در این اصل از قانون اساسی، اصل بر آزادی احزاب گذارده شده و برای فعالیت آن‌ها شرایطی در نظر گرفته است که این شرایط در حقیقت، پذیرش چارچوب‌ها و اصول اسلامی و انقلابی است که در داخل این چارچوب، احزاب می‌توانند، آزادانه به فعالیت بپردازند. در راستای اجرای این اصل، قانون فعالیت احزاب در سال ۱۳۶۰/۶۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این قانون در ۱۹ ماده و ۹ تبصره تنظیم شده است.

۱-۱- نظام احزاب و اهمیت آن در امر انتخابات

قوانین انتخاباتی، تأثیر مهمی بر چگونگی حضور احزاب و ایفای نقش در عرصه‌های انتخاباتی دارد؛ به این صورت که اگر قانون اساسی یا قانون انتخابات، روند تعریف شده‌ای برای حضور احزاب ارائه دهد و یا تسهیلاتی برای حضور آن‌ها فراهم آید، احزاب سیاسی، مؤثرتر ظاهر می‌شوند؛ به گونه‌ای که برخی از محققین، احزاب سیاسی و نقش آن‌ها را در قانون فعالیت احزاب محصول الزامات آئین‌های انتخاباتی و پارلمانی می‌دانند (رفیعی قهساره، ۱۳۹۷: ۸۱).

احزاب و گروه‌های سیاسی در تأثیرگذاری بر قدرت و ایفای نقش در عرصه سیاسی، اجتماعی در نظام‌های مردم سالار دارای جایگاه مهمی هستند. احزاب در نظام‌های مختلف سیاسی از کارکردهای متفاوتی برخوردار هستند، اما از یک منظر، کار ویژه‌های احزاب، عمدتاً شبیه به هم است و بنابراین، در دو دسته اساسی تقسیم‌بندی می‌شوند که بخشی از این کارویژه‌ها، آموزشی و اجتماعی، و بخشی دیگر، کسب قدرت از طریق شرکت در انتخابات‌های مختلف است (بخارایی زاده، ۱۳۹۷: ۲۷۷).

کینگ مرتن، دو دسته کارکرد آشکار و پنهان را برای احزاب در نظر می‌گیرد و کارکردهای آشکار آن را شکل دادن به افکار عمومی، معرفی نامزدها در انتخابات، و سازمان دادن به انتخاب شونده‌گان و اعمال نفوذ بر آن‌ها می‌داند و کارکردهای پنهان حزب را در «برقراری پیوند روانی و مادی بین فرد و سیستم سیاسی»، «جذب افراد جدید» و «مدیریت منازعه» می‌داند.

کار ویژه احزاب در انتخابات دو دسته انتخاباتی و آموزشی برای احزاب وجود دارد که کار ویژه‌های انتخاباتی حزب عبارت‌اند از:

شکل دادن به افکار عمومی: احزاب سیاسی از طریق ارائه اطلاعات و شکل دادن به افکار عمومی، افراد را وادار به مشارکت به نفع کاندیدهای طرف دار خود می‌کنند و از این طریق در جهت کسب قدرت سیاسی قدم بر می‌دارند.

آموزش توده‌ها برای مشارکت سیاسی: این کارکرد احزاب از مهم‌ترین فعالیت‌ها محسوب می‌شود که علاوه بر فعالان درون احزاب، می‌تواند توده‌های غیر عضو را نیز با آموزش‌هایی درگیر کرده و در زمان انتخابات، مردم را به سمت شرکت فعال بکشاند.

در قانون فعالیت احزاب مصوب ۱۳۶۰/۶۷ با اشاره به اصل ۲۶ قانون اساسی، محدودیت‌های فعالیت احزاب مشخص شده‌اند (بشیری، ۱۳۷۷: ۳۹).

ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود؛ هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه‌ها، نمایندگی‌های ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی؛ دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان؛ نقض آزادی: های مشروع دیگران؛ ایراد تهمت، افترا و شایعه پراکنی؛ نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرحریزی برای تجزیه کشور؛ تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و نژادی موجود در ایران؛ نقض موازین اسلامی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران؛ تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتاب و نشریات مضله؛ اختفا و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیرمجاز.

۲- جایگاه شورا در قانون اساسی

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اداره امور کشور باید به اتکای آراء عمومی انجام شود، همان‌طور که قانون اساسی مقرر نموده است مداخله سیستم در حکومت از طریق ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و شوراهای کشور تحقق می‌یابد بنابراین نهادهای حکومتی را نهادهای اعمال حق حاکمیت ملی می‌نامند.

در اصل هفتم: طبق دستور قرآن کریم «و امر هم شوری بینهم»، «و شاورهم فی الامر» مجلس شورای اسلامی شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون معین می‌کند.

در اصل یکصدم: برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای ده، بخش، شهر یا استان صورت می‌گیرد که اعضای آن را مردم همان محل انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله‌مراتب آن‌ها را که باید با رعایت اصول وحدت ملی و تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند.

در اصل یکصد و یکم: به‌منظور جلوگیری از تبعیض و جلب همکاری در برنامه‌های عمرانی و رفاهی استان‌ها و نظارت بر اجرای هماهنگ آن شورای عالی استان‌ها مرکب از نمایندگان شوراهای استان‌ها تشکیل می‌شود. نحوه تشکیل و وظایف این شورا را قانون معین می‌کند.

در اصل یکصد و دوم: شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد در اصل یکصد و سوم: استانداران، فرمانداران و سایر مقامات کشوری که از طرف دولت تعیین می‌شوند در حدود اختیارات شوراها ملزم به رعایت تصمیمات آن‌ها هستند (تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلامی و قوانین کشور باشد).

همان‌گونه که در اصل ۱۰۵ قانون اساسی عنوان شده است، تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد و به همین جهت در اصلاحیه سال ۱۳۹۵ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و برابر اصلاح ماده ۸۰ مقرر شد که مصوبات شوراها باید مورد تأیید

هیئت تطبیق مصوبات قرار گیرد تا لازم‌الاجرا باشد.

بر اساس ماده ۷ اصلاحی سال ۱۳۹۵ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور، اعضای شوراها در شهرها حداقل ۵ عضو اصلی و ۳ عضو علی‌البدل برای شهرهای تا ۵۰ هزار نفر جمعیت و حداکثر ۱۵ عضو اصلی و ۱۰ عضو علی‌البدل برای شهرهای بیش از ۲ میلیون نفر جمعیت در نظر گرفته شده است و شورای شهر تهران با ۲۱ عضو اصلی و ۱۱ عضو علی‌البدل تشکیل می‌شود.

مصوبات و مسائل مطروحه در جلسات شوراهای اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است، به همین جهت، طبق ماده ۱۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، استانداران، فرمانداران، بخشداران، دهیاران و مدیران کل و نیز روسای ادارات همان حوزه، می‌توانند بدون حق رأی در جلسات شوراها شرکت کنند.

در اصل یک‌صد و ششم انحلال شوراها جز در صورت انحراف از وظایف قانونی ممکن نیست و مرجع تشخیص انحراف و ترتیب انحلال شوراها و طرز تشکیل مجدد آن‌ها را قانون معین می‌کند. شورا در صورت اعتراض به انحلال حق دارد به دادگاه صالح شکایت کند و دادگاه موظف است خارج از نوبت به آن رسیدگی کند.

اصل هفتم قانون اساسی صراحت دارد که شوراهای اسلامی کشور یکی از ترجمان‌های تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. اگرچه به لحاظ تصمیمات سازمانی و اداری کشور دارای وظایف خاص خود هستند ولی از نظر قانون اساسی و حق حاکمیت در طراز سایر ارکان حکومتی قرار می‌گیرند. و حتی دامنه حکومت آن‌ها به اندازه‌ای است که مسئولین دولتی موظف به رعایت تصمیمات آن‌ها در حدود اختیاراتشان هستند.

همچنین با ملاحظه اصل یک‌صد و شصت و یک قانون اساسی به نظر می‌رسد که غرض قانون‌گذار از وضع اصل یک‌صد و شصت و یک قدرت در نظام‌های اجتماعی، امور اجتماعی، اقتصادی، عمرانی و فرهنگی و... اگرچه مستقیماً سیاسی نیستند و اصولاً جدای از امور سیاسی محسوب می‌شوند اما دارای کارکردهای سیاسی نیز می‌تواند باشد.

۳- قوه مقننه از منظر قانون اساسی

قوه مقننه از عمده‌ترین سازوکارهای مشارکت سیاسی در سطح هر نظام سیاسی محسوب می‌شود. در شکل مجلسی حکومت ارتباط نزدیکی میان قوای مجریه و مقننه وجود دارد و مقتدی مقام اجرایی در آن به اراده قوه مقننه بستگی دارد. این شکل از حکومت را به دلیل اینکه دارای اختیارات

حکومتی و مسئولیت در برابر مجلس قانون‌گذاری منتخب مردم است، شکل مسئولیت دار حکومت نامیده‌اند (عالم و نوری اصل، ۱۳۹۸: ۱۲۷).

بر اساس اصل ۵۸ قانون اساسی، «اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است که اعضای آن را نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌دهند» فصل ششم قانون اساسی، مربوط به قوه مقننه و مجلس است. مجلس، مهم‌ترین رکن تصمیم‌گیری در جمهوری اسلامی ایران است.

بر اساس اصل ۵۹، طریقه دیگری نیز برای اعمال قوه مقننه وجود دارد. در این اصل آمده است: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آرای مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد».

بر اساس قانون همه‌پرسی: «همه‌پرسی، به پیشنهاد رئیس‌جمهوری یا یک‌صد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب دوسوم مجموع نمایندگان صورت خواهد گرفت».

هرچند امر قانون‌گذاری در جمهوری اسلامی ایران از طریق مجلس است، اما معنایش این نیست که مصوبات مجلس به‌تنهایی دارای اعتبار است و برای رسمیت و قانونت یافتن آن‌ها نیازی به تأیید هیچ مرکز و نهادی نیست. بنابراین، اگر بر اساس اصل ۷۲، ۹۱، ۹۴ و ۱۱۲، برای قانونی شدن مصوبات مجلس، نظر تأییدی شورای نگهبانی و در پاره‌ای از موارد، مجمع تشخیص مصلحت نظام لازم شمرده شده است، منافاتی با اصل مزبور (۵۸) ندارد.

مرجع قانون‌گذاری بودن مجلس، منافاتی با محدود بودن حق قانون‌گذاری آن ندارد. به تعبیر دیگر، هرچند مجلس، حق قانون‌گذاری دارد، اما بر اساس قانون اساسی، در برخی از زمینه‌ها حق قانون‌گذاری ندارد. در اصل ۷۱ آمده است: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».

حق قانون‌گذاری مجلس از دو جهت محدود است؛ یکی این‌که نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. دیگر این‌که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در پاره‌ای از زمینه‌ها، بر اساس قانون اساسی، به نهادهای خاصی واگذار شده است؛ به برخی از این موارد، اشاره می‌شود:

بر اساس بند ۱ اصل ۱۱۰، تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، از وظایف و اختیارات مقام رهبری قلمداد شده است و نیز بر اساس بند ۷ و ۸ همین اصل، تصمیم‌گیری در زمینه‌ی

حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و نیز حل معضلات نظام، جزء وظایف و اختیارات مقام رهبری به حساب آمده است. بنابراین، در این موارد، مجلس حق قانون‌گذاری ندارد و رأی و نظر مقام رهبری بر همگان - حتی بر مجلس شورای اسلامی - نافذ و الزامی است.

در اصل ۱۰۸ چنین آمده است: «قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان، کیفیت انتخاب آن‌ها و آیین‌نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به‌وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر انقلاب برسد. از آن‌پس، هرگونه تغییر و تجدیدنظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان، در صلاحیت خود آنان است.» بنابراین، مجلس نمی‌تواند در این موارد قانون‌گذاری کند.

در ذیل اصل ۱۱۲ آمده است: «مقررات مربوط به مجمع (مجمع تشخیص مصلحت نظام) توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.» بنابراین، مجلس نمی‌تواند در ارتباط با مقررات مجمع تشخیص مصلحت نظام، قانون‌گذاری کند.

بر اساس اصل ۱۷۶ قانون اساسی، تعیین سیاست‌های دفاعی - امنیتی کشور، در محدوده سیاست‌های کلی تعیین‌شده از طرف مقام رهبری و هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی و بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی، از وظایف و اختیارات شورای عالی امنیت ملی کشور است که پس از تصویب از جانب این شورا و تأیید آن‌ها از جانب مقام رهبری، بر همگان - حتی بر نمایندگان مجلس - الزامی است.

بر اساس اصل ۱۷۷ قانون اساسی، تصمیم‌گیری برای بازنگری قانون اساسی و نیز اصلاح و تعمیم آن از اختیارات مقام رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای مخصوص بازنگری قانون اساسی است و از محدوده اختیارات مجلس شورای اسلامی خارج است.

نتیجه‌گیری

یکی از حقوقی که همگان قائل است حق مشارکت در تعیین سرنوشت خویش‌تن است که این حق البته از جانب خداوند متعال می‌داند و بر اساس آن هیچ‌کس مجاز نیست این حق را از انسان‌ها بهر دلیلی سلب کند که اصل ۵۶ قانون اساسی به آن اشاره دارد. از مهم‌ترین موارد استفاده از این حق دخالت افراد در اداره امور کشور خودشان و تعیین زمامداران و هیئت حاکم‌هاست که باید بر اساس

رعایت حق مزبور انجام شود و این مهم از طریق انتخابات برگزارشده توسط دولت‌ها صورت می‌گیرد. به همین دلیل در اصل ۶ قانون اساسی آمده است که امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شوند: از راه انتخابات، انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها از راه همه‌پرسی و نیز، مطابق بند ۸ اصل سوم قانون اساسی مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خویش از حقوق مسلم ملت ایران است که با توجه به عموم و اطلاعات آن شامل تمام افراد ملت ایران شده و این‌گونه نیست که اکثریت ملت که مسلمان هستند و یا پیروان مذهب شیعه که مذهب رسمی کشور است را در برگیرد. نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن بارای مردم ایجادشده است و درعین حال انتخاب رهبر به‌صورت غیرمستقیم و انتخاب رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، شرکت در همه‌پرسی‌ها تجلی حضور و مشارکت سیاسی عموم مردم از جمله همه اقلیت‌ها و قومیت‌ها در امر اداره حکومت، مشارکت در پیشبرد امور کشور است.

از سوی دیگر نظام ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران که قوانین و مقررات آن الزاماً بایستی بر اساس موازین اسلامی باشد و این عبارت موازین اسلامی سایه گسترده‌ای بر اصول فراوانی از قانون اساسی دارد می‌تواند و بهتر بگوییم باید بتواند که در نگاه تیزبین خود در اداره جامعه متکثر ایرانی از ظرفیت‌های تکثرگرای دیدگاه‌های اسلامی بیشتر بهره‌برد و نگاه یک‌سویه و کاملاً سستی را که موجبات پیاده شدن بسیاری از افراد از قطار جامعه اسلامی ایرانی می‌گردد را تلطیف کرده و میزان رأی ملت است را که برخاسته از کنش‌های افراد جامعه و نقش مشارکت بی‌بدیل آن‌ها در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و نظارت و مداخله بر اعمال و رفتار حاکمان و فرمانروایان به‌ویژه با رویکرد دینی در قالب امر به معروف و نهی از منکر که وجه غالب و برجسته آن تذکرات و پیامد آن الزام فرمانروایان و مسئولان به اصلاح امور و حرکت در چهارچوب قوانین با حفظ حقوق افراد جامعه می‌باشد را با نگاهی نوتر در آرا و اندیشه‌های اجرایی و تفنیی را پررنگ‌تر کرد تا نه تنها دلدادگان و طرفداران و حامیان قبلی این نظام از انتخاب و استمرار اعتماد خویش نادم نبوده بلکه استحکام رأی در نظر خویش را در ادامه حمایت از نظام را متداوم به منصفه ظهور رسانده بلکه از راه رسیدگان و نسل جدید و یا تردیدکنندگان جامعه را با خود همراه و همدل نمایند تا آئینه انقلاب و نظام منعکس‌کننده خواست عمومی افراد جامعه ایران زمین باشد.

در جهت پررنگ کردن مشارکت سیاسی مردم چنانچه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خاص که از طریق ولایت امر صورت می‌گیرد نظیر شورای انقلاب فرهنگی یا موارد مشابه مثل جلسات

سران قوا مصوبات آنها بر همگان حتی نمایندگان مجلس رقص الزامی است را به نهاد قانون‌گذاری متخین بلا واسطه مردم می‌باشند واگذار کرد و وجهه دموکراتیک و مشارکت مردمی در آن دارای وجاهت و ارزش‌گذاری موجه‌تری خواهد بود.

منابع

- ابوالحسنی، سید رحیم و ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۹۷). «شوراهای اسلامی شهر و روستا و تمرکززدایی در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۵۳(۱)، صص ۷-۳۴.
- افشاری‌راد، مینو و آقابخشی، علی‌اکبر (۱۳۸۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.
- بخارایی زاده، سیدمهدی (۱۳۹۷). «جایگاه احزاب در کشورهای توسعه یافته»، نشریه قانون یار، ۲(۵)، صص ۲۷۷-۲۹۴.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۷). مشارکت، رقابت و توسعه نظری، تهران: انتشارات دانشگاه اسلامی.
- بهمنی فاجار، محمد علی (۱۳۸۸). «چگونگی اعمال حق تعیین سرنوشت»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۲۶۲(۹)، صص ۷۲-۸۵.
- پیران، پرویز (۱۳۷۶). «شهر شهروند مدار»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۱۹(۱)، صص ۴۶-۵۱.
- حشمت زاده، محمدباقر؛ حاجی یوسفی، امیرمحمد و طالبی، محمدعلی (۱۳۹۶). «بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، ۸(۲۳)، صص ۱-۲۴.
- حیدرزاد، علیرضا؛ مجدی، علی‌اکبر و سلیمان‌پورچرمی، رحمان (۱۴۰۰). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مقوله احساس امنیت در بین روستائیان مرزنشین مطالعه موردی: شهرستان مرزی کلات»، فصلنامه علوم و فنون مرزی، ۱۰(۲)، صص ۱۷۵-۲۰۳.
- حیدری، لادن؛ جلالی، محمد؛ صالحی امیری، سیدرضا و جاوید، محمدجواد (۱۳۹۷). «نقش سیاسی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه‌های ناظر بر آن»، مجله حقوق پزشکی، ۱۲(۴۶)، صص ۷-۳۳.
- دوست محمدی، احمد و باباپور، محمد مهدی (۱۳۹۰). «مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ زمینه‌های پیدایش، منازعات گفتمانی و قانونمندی»، فصلنامه سیاست، ۴۱(۱)، صص ۹۷-۱۱۴.
- راش، مایکل (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- رضوانی گیل کلایی، غلامرضا؛ بهنیافر، احمدرضا و پورقصاب امیری، علی (۱۴۰۱). «مقایسه جایگاه ولی فقیه قبل و بعد از بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸»، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۶(۵۸)، صص ۱۹۳-۲۱۲.
- رفیعی قهساره، ابوذر (۱۳۹۷). «نظام انتخاباتی و تأثیر آن بر نظام حزبی در ایران»، ماهنامه جامعه شناسی سیاسی ایران، ۱۰(۱)، صص ۸۱-۱۰۴.

- زیباکلام، صادق و مقتدایی، مرتضی (۱۳۹۳). «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۰(۲۹)، صص ۷-۲۸.
- شفیعی فر، محمد (۱۳۷۸). «جایگاه ولایت فقیه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه حکومت اسلامی، ۱۳(۱)، صص ۲۳-۳۶.
- صابریان، مهناز و صبوری، محمد صادق (۱۳۹۳). «تحلیل عاملی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی زنان روستایی عضو صندوق‌های خرد سمنان»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۴)، صص ۱۰۷-۱۱۵.
- عالم، عبدالرحمن و نوری اصل، احد (۱۳۹۸). «حقوق نهادین شهروندی و مشارکت سیاسی (راهجوی توسعه سیاسی)»، فصلنامه سیاست، ۴۹(۱)، صص ۱۲۷-۱۴۵.
- علیمرادی، زهرا و ارجینی، حسین (۱۳۹۳). «بررسی روند طرح ولایت فقیه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۳(۴)، صص ۳۵-۵۰.
- غمامی، سید محمد مهدی و کدخدا مرادی، کمال (۱۳۹۷). «تحلیل فقهی و حقوقی مبانی، ماهیت و اعتبار تنفیذ حکم رئیس‌جمهور با تأکید بر رویکرد قانونگذار اساسی»، فصلنامه حکومت اسلامی، ۲۳(۲)، صص ۵-۳۲.
- فراهانی فرد، سعید و بیگدلی، وحید (۱۳۹۵). «مقایسه تطبیقی اهداف دولت در اقتصاد متعارف و اسلامی»، معرفت اقتصاد اسلامی، ۱۴(۲)، صص ۴۸-۲۵.
- کعبی، عباس و حکیمی، سجاد (۱۳۹۳). «ماهیت نمایندگی مجلس در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، حکومت اسلامی، ۷۲(۱)، صص ۱۴۴-۱۲۳.
- کلانتری، ابراهیم (۱۳۹۳). «کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن»، فصلنامه سیاست، ۴۴(۳)، صص ۶۵-۴۸۱.
- گرچی، علی اکبر (۱۳۹۳). «نقش افراد، احزاب و گروه‌های سیاسی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۷(۶۶)، صص ۵۱-۸۰.
- گلایی، فاطمه و حاجیلوی، فتانه (۱۳۹۱). «تاثیر خانواده بر مشارکت سیاسی زنان»، فصلنامه زن و جامعه، ۳(۱۱)، صص ۳۱-۵۶.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد و سیدموسوی، سیدعلی (۱۳۹۶). «رهبری و نظرات مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام با رویکردی بر نظر امام خمینی(س)»، پژوهشنامه متین، ۱۹(۷۵)، صص ۷۳-۹۷.

میرعظیمی، سید حمیدرضا و جمشیدی کوهساری، محسن (۱۳۹۳). «جایگاه نمایندگان مجلس در فقه اسلامی با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۳(۱)، صص ۳۵-۵۸.

هاشمی، سیدمحمد و دشتی، علی (۱۳۹۱). «شوراهای اسلامی، ملی یا محلی - حاکمیتی یا مدیریتی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۵(۱۱)، صص ۳۰-۲۲.